واکاوی مانی و آموزه هایش در زمان شاپور اول

دکتر محمد کریم پور چمنی
دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد اصفهان

مهمان یازدهمی توسی
دانشجوی دکتری ایران باستان دانشگاه نجف آباد اصفهان
mahnazbabai@yahoo.com

چکیده:

اواخر عهد باستان دوردی تلاقی ادیان مشرقی و ماقربین آن با مسیحیت به عنوان دینی که از امپراتوری روم و با حمایت سیاسی آنان، بوده است. مانی یکی از پیامران ایران باستان است، که در اواخر دوران اشکانی، اردوان چهارم در بابل ظهور کرد. با این که در کتاب شاپورگان، وی در دوران اردشیری ول سفرهای تبلیغی خود را به سرزمین هنگ آغاز کرد، بود و مکارسی ناجدادری شاپور اول به ایران بارگشت، تا بتواند توجه آن را به خود جلب کند. شاپور اول در اینها با پذیرش برادرانش مهره‌ای و پیروز از ظریف ملی سواری دین مانی پره به‌سوی اشاره زبانی از برگ برای این دین مانی به نوعی صورت پدیده می‌گیرد. وی از سوی دیگر ریشه‌های مسیحی دین مانی معلق از آن شد. که این دین اقبالی جوان شدن به معنای‌های رسمی را به دست آورد. به نظر می‌رسد شاپور با توجه به پشت‌بانی‌های سیاسی‌اش به آسانی روحا ویتی زرنشتی را به‌سوی و قدرت نامی گذارد. در واقع شاپور با عناصری که به قدرت‌هایی در پی سنتی و به‌پهلو عهده‌داری از یک دین‌گویی غالبی دیوی که خود رأس آن بود، روحا ویتی در حالت نفس سیاسی در این دوره اقدامات خاصی را از پیش نیزند، ولی با تکمیل ساختار در دوره‌های بعدی به خصوص به‌بوشمران توانتنده زمین امور را به دست بگیرد و هم امور قضاپی و هم امور دینی را به‌هداری می‌شنود. سرانجام این قدرت‌پذیر و فوق‌العاده‌ای اعلام مانی به عنوان فرده تکفیری و معاند با دین زرنشتی و استقلال ماقر روحا ویتی در ساختار قدرت و نهادی که از این زمان به نزاع قدرت با شاهنشاه ساسانی می‌پردازد. این پژوهش با روش توصیفی-تجزیه‌نهایی به‌واکاوی ظهور مانی، آموزه‌های آن، روابط و نهاد قدرت با آن می‌پردازد و در سه جهان انتساب شده است که مانی در سالهای علیع شاپور اول توانست، بین نظام مجمع مانوی را ایجاد کنند و در اقیان نقش شاهنشاهی، سرزمین‌های روم، مصر، مصر و دین‌های مقتدر که در بخش‌های چشم‌گیری پیدا شدند. بنابراین

واژگان کلیدی: مانی، شاپور، پسر، ساسانی، دین زرنشتی، روحا ویتی
فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ. سال هفتم. شماره بیست و پنجم

مقدمه:

با روي کار آمدن شاهنشاهی ساسانی و سقوط دولت اشکانی در نبرد هرمزگان در
224 میلادی حکومت جدیدی در ایران باستان شکل گرفت که به دو حکومت خود برای دست
گرفتن زمین امور کشور و یکپارچگی آن، سعی در متحد کردن دین و دولت داشتند. از نامهای که
تعریف و تاریخی دیده می‌شود در چنین زمینه‌ای اهمت ویژه‌ای داشته است. پس از درگذشت ارخیر و روی کار آمدن
شایبیرلر، روی برجستن دو حکومت مخصوص در این دوره نمودار می‌شود. مانی پس از سفر تبلغاتی خود از
هند به ایران بارگشت، تا شاهد باوان در لوازم شاه جدید دین خود را گسترش دهد. وی دو
حدودی توانست در این امر موفق شود. مانی با حمایتی که به دست آورده بود خود را از زمراه
نمزدیکان شاه کرد و حتی در جنگ‌هایی که این پادشاه از امیراطران روان داشت شرکت کرد. مانویت
در واقع یکی از دو جنگ (دیگری مزدیکی) مهم در ایران دورهی ساسانی است که در اواخر سده‌ی
سوم میلادی پدیدار شد و از همان آغاز در ایران از سوی زرتشتیان سنتی با مخالفت روبرو شد.
آیین مانی که از تاثیرگذارترین جنگ‌های فکری و آینی جهان باستان بود، آینی که از شرق
برخاست و به‌پایه‌های فکری و مذهبی جهان باستان را در هم آمیخت و حاصل این آمیزش را در
قابل دینی نو با عنصری که‌ تا دورترین گوشه‌های جهان گستراند.

ظهور مانی:

مانی در اواخر عهد ساسانی ظهور کرد و تولید و در بین النهرين واقع شده ولى خود او از
نزادگان ایران بود که در 215 میلادی در بابل (میانیروان) زاده شد. (ویسن غرونه 328،1352)
ابوریحانی برونتی دانشمند نامدار، محل تولد وی را راوانی "مردینی" واقع در قسمت شمالی بابل
ذكر کرده است. (بیرونی 1363، 309) پدر مانی به نام یاتیغ از اهالی همدان و مادرش از
دودمان کامسراگان و از خویشان دومدان پادشاهی اشکانی بود. (ابن ندیم، 1381، 582،
ویدن غرونه 1363، 309) آشنایی نخستین او با آینی گوئسی رایح در بین النهرين نشانی از گرویدن
پدر به آن فرحه بود. زمینه که مانی تناها شش ساله بود، پایگاه تکه همسر کرد و به همراه فرزند
زنگی در میان گوئسیان را آغاز کرد. اگر چه در دوری گریزند از زن، شریب و گوئشت از ملزمات
اعتقادی و وظایف دینی بسیاری از فرق گوئسی بود (دکره، 1380، 53-6-3؛ ابن ندیم، 1381،583)
بنابراین کودکی مانی در میان گوئسیان سپید و آموزه‌های کودکی او متأثر از افکات آنان
شد. همچنین که بعدها دین خودش نیز متأثر از عقاید گوئسی بود. مانی از میان ادیان آن روز با

124
واکاوی مانی و آموزه‌هایش در زمان شاپور اول

دین بهوود داشته‌شده‌اند که در جایی پرورش یافته‌بود که نظارت‌هایی منجر به افزایش فرهنگی و ثقافتی شدند که از سپس در سال گذشته‌های بود. (Neusner, 1975, 189, 1975) ناپذیر شد که می‌گوید در ۱۳ سال‌گی نخستین وی‌بی به آسی و در ۲۵ سال‌گی وی‌بی 

درینگی دریافت نمود که مورد الاله اولی بود. (ویدن گرن، ۱۳۵۷) از پس از مطالعاتی که در اطراف دین زرتشتی و مسیحیت و آینده‌ی نویدی نمود، به دعوت مرد مردی و خود را فار قلبی 

که مسیح ظهور یا را خبر داده بود نامید و گفت: در هر زمانی انسانی حکم و حقیقت را از جانب خدا به مردم عرضه کرده‌اند. گاه در هنودستان توسط پیامبره‌ی نام بودا و گاهی در ایران بوسیله زرتشت و زمانی مربوط زمین توسط عیسی و عاقبت‌من که مانی پیامبر خدا هستم مأمور نشر حقایقی در سرزمین بابل گستند. (کریستینی، ۱۳۷۵، ۲۶۳) شروع رسالت مانی، چنان که در کتاب 

کفالتیا آمده، هم بودن با می‌سرنشت نستند ارادشیشمی می‌باید، چنان که در اثر نام ارادشیر باکان 

پس از جنگ با اردوان پنجش پادشاه اشکانی در هرچه‌گونه در سال ۲۴۲ میلادی به سلطنت نستند; 

در این باره در کفالتیا آمده است: در همان سالی که ارادشیر قرار بود تخت نشیند، فار قلبی فرستاد. (ویدن گرن، ۱۳۵۲)

مانی پس از رسیدن به رسالت، نخست پدر و بعد پسران خانواده‌ی را به دین خود در آورد. اما 

شروط فعالیت مانی، چنان که انتظار می‌رفت در بین النهار نبوده، بلهک برای تعلیم آن‌ها خود به مشترک ایران روی آورد. او خود در کفالتیا نوشت: از پس از پایان سال جنگ ارادشیر 

[ارادشیر اول]، قصد موبه‌ی شاه کرد. با کاستی به سرزمین هند رهسپار شدم و امید حیات را بر آنان موبه‌ی کردم و در آنجا پروران گزیده‌ی نیکوکار گردیدم. اما در سالی که ارادشیر درگذشت و 

پسرش شاهبان اول [به شهریاری رسید] کسی را به فرستاد، می‌ان از هنودستان به سرزمین 

پارس سفر کرد؛ آن‌گاه از سرزمیان پارس به بابل، میانی و شوش آمد. در برای شاهبان شاه ظاهر 

شدم؛ او با افتخار چپ‌بیانی از شد و به من اجازه داد که به قلم‌روهای او [برو و کلام 

زنده‌ی را موهوب کنم. سال‌ها در بارس، در سرزمیان اشکانیان مانند و از آنجا به آدیبان و 

بخته‌های مرزی امپراتوری روم رفتم. (سرکاریان، ۱۳۷۸، ۱۵۹) در مورد سن سفر به هندر در زمان 

ارادشیراولا، مورخان ابراز تردید کرده‌اند، چنان‌که نقی زاده در کتاب خود می‌آورد: منظور از هند
فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ سال هفتم، شماره بیست و پنجم

در اخبار مانویان همان سند است.» (نقوی زاده، ۱۳۱۲، س. ۲۸۲) سرکاری‌ات از قول هنگین می‌نویسد: که مانی از سرحدات شاهنشاهی ساسانی فرادر نرفته و منشور از هنده احتمالاً همان ایلات مکران و توران است و از آن دیگر مقبولتر می‌نماید.» (سرکاری‌ات، ۱۳۷۸، ص. ۱۶۲) بنابراین منی پس از مراجعت از سفر شرک هنگام تاجگذاری شابور اول (حدود سال ۲۴۲ م) به دلایل فیروز برادر شابور به دربار آنان شاه بار یافته و با دو نفر از پارس خوش عقاید دنیای خود را در نیکسفون به او اظهار داشت و گویا که مورد پنداش شابور قرار گرفت.

مانی و شابور اول:

مانی برای نخستین بار احتمالاً در سال ۲۴۰ میلادی، دعوت خود را در برابر عموم آشکار کرد. این کار را وی در خارج از مرکز شاهنشاهی ساسانی انجام داد که در وطن او این کار استثنایی محصول می‌شد. وی در هندوستان در مرزهای ایران و روم واقع در بین‌النهرین علیاً به تعلیم و دعوت خود پرداخت؛ (یوسفی، ۱۳۷۸، ص. ۲۵۳) ولی در زمان به تخت نشستن شابور یکم در سال ۲۴۲ میلادی از طریق دریا به پارس بازگشت و پیاده تا به خوزستان و مشیان در بخش سفلى دجله رسید. بر طبق منابع در راه با مخالفت‌های زیادی مواجه گردید. از آنجا به بابل بازگشت. سپس در بی تیلی در بابل و سفر دوبار به پارس، به سرزمین مرتفع واقع در در این مناطق دشت‌منی زیادی پیدا کرد؛ اما بینان مجمع مانوی را نبر ایجاد کرد و توانست پیروز برادر شابور شاهنشاهی، را به دین خود در آورد و هم باعث ملاقات مانی با شابور یکم شد. (بهرام، ۱۳۸۴، ص. ۸۲) شابور اول که سودای شاهنشاهی پهناور و قدیمی‌تر و واحد در نظر داشت، می‌پرست جهت وحدت شاهنشاهی تلاش کرد. او در این راه آین مانی را با توجه به ویژگی هایش و مشهورایی مناسب برای نیل به هدافش تشخیص داد و با عانتی به این موضوع که وی پر ایمان مزدیسی بود، حتی با گراشی و روی خوشی که به مانی نشان داد از آیندیارنی و اولیه خود روي گردان نشد. شابور یکم (۲۱۲-۲۷۲ م) سیاست‌مداری زیر است. بود. شاید به دلایل چنین می‌اندیشید که کسی شابور بود. یکرپه یا تیم منابعی به این موضوع که وی پر ایمان مزدیسی بود، حتی با گراشی و روی خوشی که به مانی نشان داد از آیندیارنی و اولیه خود روي گردان نشد. شابور یکم (۲۱۲-۲۷۲ م) سیاست‌مداری زیر است. بود. شاید به دلایل چنین می‌اندیشید که کسی شابور بود. یکرپه یا تیم منابعی به این موضوع که وی پر ایمان مزدیسی بود، حتی با گراشی و روی خوشی که به مانی نشان داد از آیندیارنی و اولیه خود روي گردان نشد.
واکاوی مانی و آموزه‌هاش در زمان شابور اول

سرار و امبراطوری تسلط پایان، لذا دین مانی این خواسته وی را عملی می‌کرد. مانی، خواستار آیین جهان شمول یگانه‌ای بود که شاید بیان در نیمه دوم سده سوم میلادی جانشین همیشه آیین‌های موجود گردیده و دولت او نیز این یکی که نتوانسته‌داشت. (پیگروسکا، ۱۳۸۷، ۴۵) نگاه مثبت شابور به مانی که در مسابقه مانیو و حتی در نوشته‌های مورخان ایرانی و عربی بر آن تأکید شده‌است، گاهی اوقات تا آن حد پیش رفته که روایت جریان شابور به دین مانی را نشان می‌دهد. واقعیت تاریخی دانستن و حتی فراتر از آن توجه خاص وی را تا حدی دانستند که ادعای می‌کنند شابور به دلیل این که آیین مانی سلفی‌تی از باورهای مذهبی بین النهرین و بناهای دینی ایرانی و معتقدات گونبستکی بوده، درصد برآمد این به منظور رفع نیازهای مذهبی گروه‌های پیشتری از مردمان شاهنشاهی ساسانی این دین را رسیده اعلام کند. (ویژن گونه، ۱۳۵۲، ۶۹) هر چند گروهی خلاص این نظریه را دانست و می‌گوید: «پذیرفتند این نظریه با هم‌مری ایندیگی که دارد به دلایل مختلف دشوار است: نخست این که در روایات زرتشتی مضبوط در کتاب‌های پهلوی هیچ گونه اشاره‌ای به دیدنی یا ناباوری یا کم اعتقادی شابور به دین مردنسی نشده است و بالعکس خداین شابور را در احیای آیین زرتشتی و کوشش‌های آمده در چند بها نتوانستند که سدوهان در صورتی که کوچک‌ترین بی توجهی به کار دین کافی بود که مودان متعصب زرتشتی، حداقل در دوره‌های بعدی از شابور نیز ماند، یک‌گرد اول جباری پزشک بسازند. همچنین از گواهی‌های مذکور در سنگ‌نوشته شابور اول در کعبه زرتشت یابندی او را به آین اجاد و نیاکانش و توجه او به مسائل مذهبی از قبل برافراشتن آتش‌نگ مقدس و اجرا مراسم قربانی و غیره مشهد است و در آغاز سنگ‌نوشته، خود را مدعا برست (مزدیسن) نامیده است.» (سرکاریان، ۱۳۸۷، ۱۶۲-۱۶۳) با نگاه به سنگ‌نOSHتی‌ری که از دنیه به وضوح مشهود است که شابور از لحاظ سیاست مذهبی در کنار تسامح دینی از لحاظ اعتقادی کاملی پایاید به اصول زرتشتی بوده و در این مورد با جانشینان خود نتفاوتی نداشته است. جانشین می‌گوید: «با فرمان شابور، به‌ویژه و پشتیبانی از راهنمایان و شاهنشاهان در سرزمین‌ها و نواحی گناوگان، و فرمان‌های نیست.» (Sprengling، ۱۹۵۳، ۱۴) بسی فروتنی یافته و بسیار آتش به‌هرم تأسیس شده و بسیاری از مغان شاد و کامیاب شدند! اتاذ ( fulfilling) علاوه بر موارد ذکر شده در بالا سرکاریان معتقد است: در هیچ یک از آثار خود مانیان درباری پذیرفتند دین مانی توسط شابور اول گزارش صریح و روشنی نیامده است، فقط از توجه شابور به مانی و این که او حرمت و مهرپذیری کرد، به‌شکل است؛ در حالتی که گروندگان‌اند شاهنشاهی به چیزی نو... اگر چنان چیزی در واقع افتد افتاده بود... برای مانی و
فصلنامه علمی پژوهش، سال هفتم، شماره پیست و پنج

مانویان اهمیت حیاتی داشت و واقعه‌ای نیو به آسانی فراموش کنند و در سنت‌های خود از آن به دقت و پوشو و تکرار و مبالغه یاد نگنند. (سرکاری، ۱۳۷۸، ۱۸۵) منابع بر این باور هستند که مانی سه بار با شرایط ملاقات کرد و شاگرد سرمجنم او را به عنوان یکی از ملازمان درباری پذیرفت و به وی اجازه تبیغ در سراسر شاهزاده‌ها را داد. تا قبل از روز کار آمدن شاپور در میان، شوش، برادرشیر مرکز باسواسه بسته استفاده‌های مسیحی وجود داشت؛ اما مقام تاج‌گذاری وی این مراکز در اختیار مانی، پیامبر جوان و بیانگذار آنین نوین جهانی گذاشتند.

لودوی، ۱۳۸۴، ۱۱۱) مانی در آغاز کفالایا از روایت‌های پادشاه سخن می‌گوید و اظهار می‌دارد "هنگامی که شاپور یکم بر تخت نشست، من به حضور شاپور رفتم، آن که مرا با احترام بسیار پذیرفت. او به ان جهاد داد در قلمروش سفر کرد و کلمه حیات را تغییر نمایی، من چندین سال را با و به دنبالش در ایران، سرزمین پارتیان و تا آپالیسه و مرزهای امپراتوری روم گذراندم."(۴)

در پی کریستین (۱۳۷۸، ۱۸۱) بنا بر روایت الفهرست: "روزی که شاپور مانی را به حضور پذیرفت بردوش مانی چهیزی مشعل بود که شاپور در دل خود احترام عمیق نسبت به مانی احساس کرد. شاپور سپس آمدهان را پرسید و وعده داد که آینه او را بهبود، آنگاه مانی که از شاه طلباً مساعدت کرد و از انجام آن که پروانش در پایبندت و سایر قسمت‌های کشور مورد احترام عمومی باشند و آزادانه به هرجا بروند و شاه در خواست اوا بر پذیرفت. نوشته‌نامه از که دو پرادر شاپور مهره‌ها حاکم مسن در بابل و پیروز شاه شرق به او گویید. (این ندیم، ۱۳۸۴، ۵۸۴) به هر حال پس از این دعوت، مانی بر درگاه به دعوت اطراپیان شاه پرداخت و حمایت

ایشان برای کسب پروانه عبور به دیروز را کسب کرد. گرچه بنا بر گزارش‌های مانوی برخورده مانی با شاپور به تغییر مذهب شاه نیمی اجود و مبانی دو شخصیت فاصله‌ای عمیقی وجود داشت؛ اما نمی‌توان انتکار کرد که شاه سرمجنم به عقاید مانی علاقه‌مند شده بود. (ویسهفر، ۱۳۷۸، ۲۵۳) مانی پس از کسب اجازه از شاهنشاه برای فعالیت کیش خود، از وی خواست که به پروانش اجازه‌دهد تا آزادانه به هر جا خواهند بروند و مورد آذیت و آزار قرار نگیرند. به همین دلیل یکی از کتاب‌های خود را به نام یا شاپورگان ۱ نامید و به او تقدیم کرد (سالمی، ۱۳۸۸، ۲۵۴مر) چنین بر می‌آید که شاپورگان مشتمل بر مطالبی در شرح زندگانی مانی، مانند زمان تولد و چگونگی نزول و حی‌بر.

در واقع کتاب نامبرده جهت تقدیم به پیشگاه شاهنشاه چنین نامیده شده است. قطعات مفصلی از این کتاب در میان اوارق نفوریان به دست امده است. که درباره‌ی تکریم عالم و رستاخیز و فروپاشی جهان مادی به زبان فارسی میانه است. (تفصیل، ۱۳۷۸، ۲۵۴)
واکاوی مانی و آموزه‌های در زمان شابور اول

وي نيز اصول عقاید وي مانند ثوت، چگونگي نکودن جهان و سرناومند آن، بوده است.

(تفاضلی، 1376، 324) در اين کتاب چپن آمده است: "خرد و کردار نیک بی گمان از سوی فرستادگان خداوند برای مرموم فرستاده شده است. یکبار خرد و کردار سیلی و فرستاده‌ای بنام بودا در هنگ، بار دیگر توسعه زروشتری در عراق و درگ بار و سیلی عیسی به کشته‌هاي غربی نازل شد. در این آخرين عصر کتاب من به سرزمين بابل فرستاده شد و پیامبری مانی فرستاده شد. این را راستینم اعلام شد." (لوكوئین، 1382، 119) ار توانست در طی سال‌ها دراز به تبیق‌ها و سودمندی به تعیین خود در پارس و پارت برداراد. مانی علاوه بر تبیق دیگر به پزشکی نیز می بهداخت و توانست در اواخر عهد شابور اول یکی دیگر از پارس‌ران‌ها، میه‌رها، فرمانروای میشان را به دین خود درآورد و در این زمان نمایندگانی به مصر، روم و شمال شرقي شاهنشاهی ساسانی فرستاد و موقعیت‌های عظمی به دست آورد و محتمالاً هیئت‌های بسیار دیگری هم فرستاده شده است. (بهار، 1382، 33) یکی از این هیئت‌ها به فرسپی یوتحیا و مارآدا از سوی مانی به امپراتوری روم بود که چه‌سا در آغاز سال ۱۳۰۴م. رخ داده باشد. این امر به تبعیض خود باعث شد که کیش مانی در مصر و سپس در پالمیرا ریشه بگیرد. (وسپوهان، 1376، 253) مانی از ویه‌دانشگری‌ها تبیق‌ی تبیق‌ها به مغرب فرستاد. در درون شاهنشاهی ایران که هنوز دلیستگی اصلي مانی بود، وا دخوت خود را موجه ولایت شرقی کرد و ولایت حلون را پایگاه خویش قرار داد. (بارشاطر، 1387، 422) در حقیقت می‌توان گفت که روداری شابور در برابر مذهب مانی جزئی از سیاست کلی شاهان ساسانی بود که با مذاهب، مادامی که قدرت سیاسی را به خطر نیندازان یا تضعیف نکند، روابط انگریزی منمودند. (بروسیوس، 1388، 248) منابع چپن آرده‌زه که وقتی شابور برای جنگ با گوردن سوم و والرین، امپراتوران روم، به طرف مغرب می رفت، مانی هم همراه راه بود. (سیامی، 1388، 132) بارشاطر از قول‌گذار و اکسپاندونکلوپیستی می نوستد که وی در کتاب پادشاه جنگید آما نه این که به معنای دقيق کلمه دوشادوش پادشاه جنگیده باشد. (بارشاطر، 1387، 422)

آموزه‌های مانی:

مانی با رسیدن به سین جوای احساس کرد باید دین خود را که دینی نقش‌دادن و دارای برخی عناصر زردنشتی بود، تبیقت کند. وی مهرچند در جوای احتمالاً هیچ تماس مستقیمی با کیش زردنشتی نداشت، ولی برخی اصول عقاید بننادیان آن را از رهگیری هستیان به‌روز و مسیحی و گنوسو دریافت به‌ود. از این رو، وی به خدا و شیطان، بهشت و دوزخ و سه زمان و داوری شخصی
فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ سال هفتم شماره بیست و پنجم

پس از مرگ، شکست نهایی بدری، داوری فرجامین و زندگی سردردی برای اهل بهشت در حضور بهشتیان اعتقاد داشت. با این حال آموزه‌هایی وی درباره‌ی این جهان بی‌اندازه بدلیل‌های بود؛ چه وی آن را تقریب‌آرایی می‌دانست و معنقد بود که بهترین راه برای فرد آن است که تا جای ممکن از جهان کره جیده، زندگی آرام و ریاضت‌کشانی پیش گیرد و مجرد بی‌خبر، تا آن که روشن بتواند به بهشت رود و نقش در ادامه یافتن سبک روزی حیات آدمی بر روی زمین نداشته باشد. از این روز آموزه‌های مانی در تقابل ایندیشی با آموزه‌های سازندگان و عملی کیش زرنگی قرار داشتند. با این همه گزارش‌هایی را است که این دین و نیز مسیحیت و کیش بودایی، همه در اصل، دین‌هایی راستن بودند که کشف‌آمیز پیروانشان آنها را به تحریف کشاندند و نیز برای اصلاح آنها فرستاده شده است. از این روی برای بیان در پارس به راحتی دیش را در لفظی زرنگی ارائه کرد و حتی نام بسیاری از منون‌ای بازمندی خویش را یادواره‌ی این مرگ زرنگی ترجیح کرد. با این اقدام خشم بسیاری از روحانیون زرنگی، که اگز زندگی یا بدعتگذار با همانیان می‌زند، برآمگیخته شد. با این همه مانی از سوی شاپور مهربانیان پذیرفته شد، سالبان در داریب وی به سر برده طوی سلطنت طولانی شاپوراویل (۲۴۰-۲۶۱) از غضب کریت در آنان بود. (پروسوس، ۱۳۸۸، ۲۴۸) مذهب مانی مبتنی خود را از مذاهب زرنگی، مسیحی و بودایی گرفته بود. حقيقة مرکر آن بود که خود در عمل نیکو و دوری گزیدان از بدی نجات می‌یافت. در این دنیای ثروت، انسان با شر، ضد خیر مواجه است؛ تاریکی، دشمن روشنایی، در کمین است و نیروهای تاریکی پوسته او را می‌فریبدند که به‌مانه باگرود نه به خدا. (پروسوس، ۱۳۸۸، ۲۴۸) مانی در آثار خود برتری بر اسلام به این می‌بیند که وی حکمت خود را در کتاب های نوشته‌ای اما دیگر پیامران چیزی ننوشتند، بلکه وظیفه‌ی نوشتن آموزه‌هایشان را به شاگردان خود واگذارشاند. (Polotsky,j.1933,41)
واکاوی مانی و آموزه هایش در زمان شاپور اول

دین خود تکمیل نکرده و به پایان نرساندهاند به دین می‌آیند. درست در اینجاست که دری به سوی رستگاری برای آنان گشوده شده است و نوشته‌های زندگی و پرورشی در خود من و دانش من بسیار بیشتر از دین‌های پیشین است. نعم، آن که تمام نوشته‌ها، خرد و داستان‌های دین‌های پیشین چون به دین من افزوده شدند... ( ویسه‌ها، 1375، 255 ) آین‌مانی‌های چنان که از قول خود او هم در کمالی نقل می‌شود مثل رود برگزی به نظر آید که آدیان و مذاهب دیگر چون جویایهای فرعی در آن می‌رنند و جریان تازه‌ای به وجود می‌آورند. ( زرین کوب، 1386، 1329 ) نقی‌زاده معتقد است "هنیه مجموعه تعلیمات مانوی معجوبی است از ترکیب ( مسیحیت (syncretism، "گنوشی" سوریه و بین‌المللی و عقاید بابل و هلنی به دوران جدید و عقاید زرتشتی و غیر زرتشتی. ( نقی‌زاده، 1335، 10-15 )

برگزی‌های پارادوکس در انديشه و آین‌مانی، این است که مانی که خود را راهی بخش توده‌های مستمده از سلسله اشراف می‌دانست، جامعه‌ی مورده‌ی نظر خود را بر پنج طبقه تنازه نهاده بود: «طبقه‌نخست ۱۲ رسل، طبقه دوم ۷۲ استفف، طبقه سوم ۶۰۰ تن شیخ، طبقه چهارم برگزیدگان و طبقه پنجم نیشوگان که عده‌ای افراد آن محدود نبود و در حقیقت کلیه مومنان و کسانی که طاقت اجرا تعامل دیوان طبقه برگزیدگان را نداشتند در این صف وارد می‌شدند.» ( کریستین سین، 1377، 1۱۵ ) آموزش مانی متقابل و تضاد میان روح و ماده بود، از نظر وی هرچه ب روح و معنی و مربوط می‌شد، نیک و هرچه به ماده مربوط می‌شد به و اهمیتی بود. آموزشی اصلی این دین عبارت بود از مقامات در برابر ایمانی جنسی که باعث به دام اندانتن دراز نور در تن می‌شد و زه و پارسی پای برگزیدگان. در این مانوی پسوس یا دیو بسکار نخستین زوج آدمی را آفرین تا ذرات نور را که مشهور روح یاوند به دام اندانتن حال آن که در دین زرتشت عمل آفرینی بهره‌جویی از خوش‌های گیتی و استفاده از باش‌گذی زمین گرامی داشته‌می‌شد. ( دریایی، 1۱۸۳۳۶، 2۱) مانی درآموزه‌های خود تناه راه رستگاری انسان و نجات بخشنده سی‌م را مادی را کوشش آگاهانه برای پرهیزگاری دانست. ( بهار، 1۱۸۴۳۱۹۴) مسأله نبایدی که مانی کوشید به حل آن پردازد وجود شر و جایگاه انسان به عنوان ویسیته به وجود شر بوده است. با استفاده درآموزه‌های ایرانی و گنوشی، مانی نگرش دوگانه اگزانتی دقیقه درباره جهان داشت و این دوگانه اگزانتی گرچه به‌بیانی می‌نماید، با بررسی دقیقه‌ی روشان می‌گردید. نقطه‌ی حرکت دستگاه دینی مانی اندیشه‌ی اساطیری جنگ پایدار میان دو اصل متفاوت، یعنی اومرغم و اهمیت است. این دو هم‌وجود نخستین بودند و از آن‌ها اومرغم نیکی و اهمیتی بود که یکی و گری‌ده
فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ سال هفتم شماره بیست و پنجم

است. در متن مانوی که به زبان‌های فارسی میانه نوشته شده‌اند، خذای بزرگ اصل خبر، نه
اورزود است بلکه زروان است. از این رو در انديشه ماني خذای اعلي زروان خوانده شده است.
( پارشاناطر، ۱۳۸۷، ۲۴۷) در مجموع نظام ديئي ماني ثيويا یا دوگان كيشي بود و چنان كه خود
مانى در كتاب شاپورگان ميگويد مبتنى بر دو اصل (دوين) و بنابراین مذهبی دويني بود. این نظام
دویني برای تبلیغ یکام خود از اصطلاحات زرتشتی بهره ميگرفت كه زرتشتیان با آن مأمور بودند.
همين امر نشاندی مي توان به اهميت و دراگربر و مجعوبت ديين زرتشتي در ايران قرن سوم
ميلادي است. ( دريايي، ۱۳۸۳، ۶۳ ) ماني از ميان گذشتشگان خود، خود را در بیرون نزديک با
عيسى ميديد. وی خود را فارقليطي مي خواند كه روزگاري مسيح آمدنن را وعده كرده بود. اين
فارقليط همان من برتر اور، همزاد اسماني است كه در آو ظاهر مي شود و از اومي خواهد كه پیک
رسول باشد. ( پارشاناطر، ۱۳۸۷، ۴۳۹) ماني همچنين يكي از ازار مهم تبلیغي خود را برخلاف
ستت شفاهي در ايران كتابت مي دانست. آثار اصلي مانوي كه متعلق به ماني شمروده مي شود,
هفت اثر بود که به زبان آرامي شرقی، زبان محلی مانی، نوشته شده بود: انجیلس زندگ (انجیل زنده)،
نيانزندگان (گنج زندگي)، رسالات، رازان ( اسرا)، کوان ( غولان)، دبيان ( دیوان، نامه ها)،
مزرعى و نياييها. همان طور كه مي بينيت نام يكي از آثار ماني، انجيل زنده است، آن را که ماسي
خود را به منزله حواري مسيح و ادامه دهدن راه و مي دانست. « او شش كتاب مقدس خود را به
زبان سرياني كه زبان اصلي راهي در بين الهرين بود به رشته تحرير در اورد. همچنين كتاب
شاپورگان خود را به بهلوى ( پارسي ميانه)، به نام شاپور اول نگاشت و در روز تاجگذاري شاپور
يكم ساسانى به او تقديم كرد.» ( مكنزي، ۱۳۸۲، ۲۶۱)
واکاوی ماهی و آموزه‌های در زمان شاپور اول

نتیجه‌گیری:
در پایان بحث می‌توان چنین استنباط کرد دین مانی در آغاز کار خود در باب مفکور ایرانیان قرار گرفت و در زمان اردشیر، بینانگدا گذار سلسله ساسانی، مورد توجه شاپور قرار گرفت و دو برادر شاپور، مهرشاه و پروز به او گرویده بودند. در واقع بذلرتن مانی از سوی شاپور یکم جزئی از سیاست کلی شاهان ساسانی بود که برای بخش آذینه اهداف خود در این راستا عمل می‌کردن. مانی در این زمان با توجه به حمایت شاهنشاهی توانته به نشر و دعوت خود در اقتصاد و نقاط شاهنشاهی بردارد و تا حدی توانته در این امر موفق باشد و حتی مبلغی نیز به روم، مصر و چین بفرستد؛ چنان که در روم چنان گسترش یافت که روم را به مخاطره افکنده بود. مانی در واقع در افتکار خواه عقاید اقلیدی داشت که با آموزه‌های زرتشتی، گنوسی، بودائی و مسمی‌پیوند عمیق داشت و خود را مهری بر پایان پیامران پیشین قلمداد کرد. به تعبیری حکمت جهنمی مانی متأثر از جهانیان گنوسری، سروده‌های ماهی دیگر، اصول عقایدش برگرفته از موعظه‌های زرتشتی بود. همچنین تقلیدی از تثلیث مسیحیت، تناصی بودایی و اساسی فرشتگان سریانی در آیین مانی وجود داشت. آموزش مانی در اصل تقابل و تضاد میان روح و ماده بود.
هرچه ب روح و معنویت مربوط می‌شود نیک و هرچه ب ماده مربوط می‌شد نیک و هرچه ب از امروزی بود، دین مانی ضریم و آن جهانی (آخری) بود. مسئله بنیادی که مانی می‌کوشید به حل آن بی‌پردازد، وجود شر و جایگاه انسان به عنوان وابسته به شر بوده است. آنچه روشان است، مانی تنه‌با دین پییه دشمن بود و به باور او پیوست همان امروزی بود که جهان فاسد را اداره می‌کرد. شاید آرای پیپورش مانی در نتیجه بروز یافته یوت در جایی بود، که دارای نظریات ضدبرهود نیز حضوری فراوان داشته‌باشد. مانی برای ترویج آیین خویش کتاب‌هایی از بیاری نگاشت، از جمله آنها می‌توان به کتاب‌های کتاب‌های شاپورگان و کتاب‌هایی و غیره اشاره کرد. شاپور توجه است که مانی برای سهولت آموزش اصول آیین خویش به مردم عادی و بر یکسانی تهیه سهیب است. می‌توان به این امر صحیح گفته کرد که بیکی از دلالای پیشرفت دین مانی در اقتصاد نتان شاهنشاهی و حتی سرزمین‌های روم، مصر، بین النزاعات و غیره مسلط بودند و به بزیان‌های گوناگون آن روز جهان باستان بوده است از دیگر سو مانی در بابل می‌زیست، به‌بعینی‌جی که گروه‌ها و مذاهب بسیار گوناگون در کنار یکدیگر با معتقدات و خداان خود همواری داشتند و این امر به نوپردازی خود در پیشرفت دین مانی مهم بود سزا نداشت. 

۱۳۳
فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ سال هفتم، شماره پنجم، تاریخ‌نگاران و نگاه‌های به تاریخ

منابع و مأخذ:
- ابن ندیم، محدثین اسحاقی، (۱۲۸۱)، الفهرست، ترجمه محمد رضا تاج‌ف، تهران، اساطیر.
- برپوشوس ماریا، (۱۲۸۸)، تاریخ ایران باستان، ترجمه عسکری عبده، تهران، انتشارات ماهی.
- بهار، مهدی، (۱۳۸۴)، ادیان آسیایی، تهران، نشر سراج‌الملک.
- بویس مرت، (۱۳۸۱)، زرتشت‌پرستی: باورها و آداب دینی آنها، ترجمه عسکر بهرام، تهران، ققنوس.
- بیاتی، شیرین، (۱۳۷۹)، دین و دولت در عهد ساسانی و چند مقاله دیگر، تهران، جامی.
- بیروین، ابراهیم، (۱۳۸۳)، آثار البابیه، ترجمه اکبر دانا سرست، تهران، امیرکبیر.
- پیکورسکی، ن. (۱۳۸۸)، تاریخ ایران از عهد باستان تا قرن ۱۸، ترجمه کریم کشاورز، تهران.
- انتشارات تهران.
- پیکورسکی، ن، (۱۳۸۷)، شهرهای ایران در روزگار پارسیان و ساسانیان، ترجمه عبید اللہ رضا، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- تفضیلی، احمد، (۱۳۸۶)، تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام، تهران، انتشارات سخن.
- تقدیم زاده، حسن، (۱۳۸۱)، «نخستین پادشاهان ساسانی، بعضی نکات تاریخی که ممکن است محتمل تجدیدنظر باشد»، بیست مقاله تقدیم زاده، ترجمه احمد آرام و کیکاکوس، جهان داری، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- تقدیم زاده، سیدحسین، (۱۳۸۵)، مانی و دین او (دو خطبه در انجمن ایرانشناسی - فراهم آورنده احمد افشار شیرازی) پاییز انگلی.
- دریایی، تورج، (۱۳۸۳)، شاهنشاهی ساسانی، ترجمه مرتضی ثاقبی، فرهنگ، تهران.
- دکتر فرانسوا، (۱۳۸۰)، مانی و ستون مانوی، ترجمه عباس قدیری، تهران، فرانسه.
- زرین کوب، عبدالحسین، (۱۳۸۵)، تاریخ مردم ایران قبل از اسلام، تهران، امیرکبیر.
- سامی، علي، (۱۳۸۸)، تمدن ساسانی، تهران، سمت ج1.
- سرکارانی، بهمن، (۱۳۸۸)، سایه‌های شکاری شده (مجموعه مقالات)، تهران، نشر قطعه.
- کریستین سن، آرتوور، (۱۳۷۹)، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید‌بی‌اسمی، تهران، انتشارات دنیای کتاب.
- گیوشی مه‌سید، (۱۳۸۰)، تاریخ ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه محمد معین، تهران، انتشارات جامی.
- لوکوتنی، ولادیمیر، (۱۳۸۲)، ترجمه عبد اللہ رضا، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
واکاوی ماهی و آموزه‌هاش در زمان شاپور اول

- مکنی، دی. ان. (1382) "شاپورگان ماهی"، زیر آسمان‌های نور: جستارهای اسطوره پزوهشی و ایرانیان، ترجمه ابوالقاسم اسماعیلی، تهران، پژوهشکده مطالعات افکاری، انتشارات پژوهشی، تهران.
- ویندن‌گرن، گنو. (1352)، مانی و تعلیمات او، ترجمه نزهت صفا، اصفهان، تهران، پرچم.
- وی‌سهوفر، پور. (1386)، تاریخ ایران باستان، ترجمه مرتضی ثاقبفر، تهران، فهمنون.
- پارشان‌خ، احسان. (1387)، تاریخ ایران کمبریج، تهران، انتشارات امیرکبیر، ج. 2/3.

منابع لاتین:

Sprengling, M. (1353), Third century Iran Sāpor and Kartir, Pre pared and distributed at the oriental institute university of Chicago, Chicago.
Poltsky, J. (1933) "Ein Mani Fund in Agypt". Bertine.